

## رجعت از دیدگاه قرآن

عصمت فاطمه<sup>۱</sup>

### چکیده

در دین مبین اسلام و در مذهب تشیع «رجعت» به عنوان یکی از پایه های اعتقادی مطرح شده است. آیات متعددی در این زمینه وجود دارد که مفسران شیعه با تفسیر این آیات مسئله رجعت را تبیین نموده اند. همچنین بهره گیری از روایاتی که مسئله رجعت را بیان می کند توانسته این موضوع را روشن تر نماید. بنابراین اختلافی در ضروری بودن آن نیست؛ زیرا انکار و تصرف در آن، انکار و تصرف بی دلیل در قرآن است.

واژگان کلیدی: رجعت، قرآن، تفسیر

### ۱. مقدمه

رجعت، یکی از اعتقادات شیعه است و پژوهشگران، همواره آن را باور داشته اند. بررسی و تحلیل پیرامون این اعتقاد، می تواند حقایق بسیاری را پیش روی علاقه مندان قرار دهد. علاوه بر روایاتی که در این زمینه در دست است، آیات قرآن نیز دلیلی بر حتمی بودن تحقق این باور بوده و گنجایش بحث های روزآمد و نو را مانند اصلی اساسی برای خود حفظ کرده است. این نوشتار می کوشد تا با بهره مندی از زلال معارف پیشوایان معصوم و بزرگان دین، برای روشن تر کردن باور رجعت به وسیله آیات قرآن، گامی هر چند کوتاه به جلو بردارد.

### ۲. مفاهیم

#### ۱-۲. رجعت در لغت

رجعت، از ماده رجع، یرجع، رجوعاً بوده و معنای مصدری آن برگشتن است. رجعت، مصدر مره و به معنای یک بار بازگشت است. در کتاب های لغت، معانی متعددی برای رجعت ذکر شده است. صاحب لسان العرب می نویسد: «الرجعة تدل علی العود الی الحیاة بعد الموت الظاهری» (الفریقی

۱. دانش پژوه کارشناسی کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، از پاکستان.

المصری، بی تا، ۲۵۷/۸.

رجعت دلالت می کند بر عود یا برگشتن به دنیا بعد از مرگ ظاهری. در مفردات راغب، الرجوع به معنی العود آمده است. رجعة و الرجعة، به معنی برگشتن به دنیا پس از مرگ است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۲).

خداوند در قرآن می فرماید: «انه على رجعة لقادر؛ خداوند متعال قادر است بر اینکه میت را بعد از موت برگرداند» (طارق: ۸)؛ «...انا لله وانا اليه راجعون؛... ما از آن خداوند هستیم و به سوی او رجوع خواهیم کرد» (بقره: ۱۵۶). الرجعة، از ماده رجع يرجع و اصل آن، الرجع به معنی عوده یا العود به معنی برگشتن و بازگشتن است.

## ۲-۲. رجعت در اصطلاح

معنای لغوی رجعت، وسیع تر از معنای اصطلاحی آن است؛ زیرا نزد امامیه، رجعت معنای خاص تری دارد. در همه موارد، بین معنای لغوی و اصطلاحی، عموم و خصوص مطلق است. شیخ مفید در تعریف اصطلاحی رجعت می گوید:

ان الله تعالى يرد قوما من الاموات الى الدنيا في صورهم كانوا عليها فيعز فریقا و یذل فریقا و یدمل المحققین من المبطلین و المظلومین منهم من الظالمین و ذلك عند قیام مهدی آل محمد.

خداوند گروهی از اموات را در همان صورتی که در دنیا داشتند به دنیا برمی گرداند، پس گروهی از آنان را عزیز و گروهی را ذلیل و خوار می کند. اهل حق را بر اهل باطل چیره، مظلومین را بر ستمکاران غلبه می دهد. این حادثه در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اتفاق خواهد افتاد. (رضایی، ۱۳۳۱، ص ۵۰)

سید مرتضی رضوی رحمته الله علیه می فرماید:

خداوند متعال بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه گروهی که از قبل از دنیا رفته اند را به این جهان باز می گرداند تا در ثواب و افتخارات یاری او و مشاهده حکومت حق در سراسر جهان، شرکت کنند و نیز گروهی از دشمنان سرسخت را باز می گرداند تا از آنها انتقام گیرد. (علی بن ابراهیم، ۱۳۸۸، ۲/۳۵۲)

حر عاملی رحمته الله علیه می فرماید: «ان الرجعة هنا هي الحياة بعد الموت قبل القيامة؛ رجعت، زندگی

پس از مرگ و پیش از واقع شدن قیامت است». (حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۶۱)

درباره امکان رجعت، از نظر عقل امتناعی نیست، بلکه بر وقوع آن اجماع وجود دارد. این تحقیق بر آن است که امکان وقوع رجعت از دیدگاه قرآن را بررسی کند. بزرگان، آیات بسیاری را

برای اثبات رجعت ذکر کرده‌اند. برای مثال حر عاملی در کتاب الايقاظ من الهجعه، بالبرهان علی الرجعه، و مرحوم محمدرضا طیبی در کتاب الشيعه والرجعه و علامه مجلسی در بحار الانوار، بیش از ۱۳۰ آیه را ذکر کرده‌اند که تعدادی از آنها رجعت را در امت‌های گذشته ثابت کرده و برخی دیگر مربوط به قیامت است.

روایاتی که بر رجعت دلالت می‌کنند، سه دسته است:

- آیاتی که صریح بر رجعت هستند و آیاتی که قدرت لایزال خداوند را بر همه چیز ثابت می‌کنند از جمله رجعت؛

- آیاتی که توسط روایات بر رجعت دلالت می‌کنند؛

- آیاتی که رجعت در امت‌های گذشته را ثابت می‌کنند.

آیات قرآن در مورد رجعت نیز سه دسته است:

- آیاتی که قدرت لایزال خداوند را بر همه چیز ثابت می‌کنند از جمله رجعت؛

- آیاتی که دلالت بر وقوع رجعت در امت‌ها و اقوام گذشته می‌کنند مانند زنده شدن اصحاب

حضرت موسی علیه السلام؛

- آیاتی که دلالت بر وقوع رجعت در امت آخر الزمان می‌کنند.

۳. آیات دال بر قدرت خداوند و آیه‌ای که به طور صریح بر رجعت دلالت دارد

آیاتی که دلالت بر قدرت خداوند بر همه اشیاء می‌کنند، بسیارند که برخی از آنها بیان می‌شود.

«... ان الله علی کل شیء قدير؛ ... همانا خداوند بر همه چیز قدرت دارد» (بقره: ۱۴۸؛ آل

عمران: ۱۶۵؛ نور: ۴۵؛ عنکبوت: ۲۰؛ فاطر: ۱). این آیه، شامل قدرت خداوند بر احیا و زنده کردن

مرده‌ها از مخلوقاتش در هر زمان، چه در دنیا و چه در آخرت می‌شود.

«أليس ذلک بقادر علی أن یحیی الموتی؛ آیا چنین کسی قدرت ندارد که مردگان را زنده

کند». (قیامت: ۴۰)

أولم یروا أن الله الذی خلق السماوات والأرض ولم یعی بخلقهن بقادر علی أیحیی الموتی بلی إنه علی کل شیء قدير.

آیا آنها ندیدند که خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و هیچ روی از آفرینش آنها فرو

نماند، البته می‌تواند مردگان را زنده کند. آری او بر همه چیز قادر است. (احقاف: ۳۳)

این دو آیه به طور صریح، بر امکان رجعت دلالت می‌کنند؛ زیرا رجعت نیز مانند زنده کردن

مردگان است و در این شک نیست که قدرت الهی، مساوی به تمام ممکنات است.

و یوم نحشر من کل امة فوجا ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون.

به یادآور روزی را که از هرامتی، گروهی از کسانی که را که ما را تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم، سپس آنها متوقف می‌شوند. (نمل: ۸۳)

در ادامه آیه آمده:

و یوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السماوات و من فی الأرض إلا من شاء الله و کل أتوه  
داخرین.

روزی که در صور دمیده شود، همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، مگر آن کسی که خداوند بخواهد، به شدت می‌ترسند، یعنی از شدت ترس جان دهند، آنگاه زنده شده و همگان با ذلت نزد او حاضر می‌شوند. (نمل: ۸۷)

با توجه به آیه، مشخص می‌شود که خداوند متعال از دو روز سخن گفته و یوم دوم را بر یوم اول عطف کرده است. قراردادن دو کلمه روز در کنار هم، مشخص می‌کند که دو کلمه روز، متفاوت هستند. علاوه بر این، در روز اول، تنها از زنده شدن گروهی خاص، و در روز دوم، از مرگ همه انسان‌ها یاد شده است.

از آیه اول به طور صریح استفاده می‌شود. حشر و زنده شدن، مخصوص عده‌ای است و جدای از حشر و زنده شدن عمومی روز قیامت است؛ زیرا در آن روز، همه انسان‌ها پس از نفخ صور زنده می‌شوند. استدلال به این آیه شریفه برای اثبات رجعت مورد توجه و تأیید امامان معصوم بوده؛ زیرا بر اساس روایات، ائمه علیهم‌السلام برای اثبات رجعت، به این آیه شریفه استدلال می‌کرده‌اند. (محسنی دایکندی، ۱۳۸۹، ص ۴۷)

#### ۴. آیات تأویل شده به رجعت

«و حرام علی قریه أهلکنها أنهم لا یرجعون؛ اهل دیاری را هلاک گردانیم، دیگر زندگانی بر آنها حرام است و هرگز باز نخواهند گشت.» (انبیاء: ۹۵)

برای استدلال به این آیه، چند نکته قابل ذکر است:

- در قیامت، بازگشت انسان به حیات مجدد فراگیر است. همه برای حسابرسی اعمالشان در قیامت زنده می‌شوند؛

- منظور از حرام در آیه، امتناع عقلی نیست، بلکه مراد از لفظ حرام، اخبار از آینده است، یعنی دوباره آنان را به دنیا باز نمی‌گردانیم؛

- از مطالب مذکور دریافت می‌شود که این نفی بازگشت، مربوط به آخرت نیست، بلکه خبر از عدم بازگشت هلاک شدگان در دنیا است. بنابراین، از نفی بازگشت هلاک شدگان به دنیا چنین برمی‌آید که خداوند برای بندگانش، بازگشتی قرارداده و فقط هلاک شدگان را از بازگشت محروم

کرده است، پس مفهوم آیه این است که کسانی که هلاک نشده‌اند، با داشتن شرایط، به دنیا باز می‌گردند. (محسنی دایکندی، ۱۳۸۹، ص ۸۶)

۴-۱. تفسیر روایی آیه

در این مورد، روایتی از علی بن ابراهیم با سند صحیح در تفسیرش بیان می‌شود.

- آیه اول

عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله وأبي جعفر عليهما السلام قالوا: كل قرية أهلک الله عزوجل أهلها بالعذاب لا يرجعون فی الرجعة.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن دو بزرگوار فرمودند هر شهر و آبادانی را که خداوند به وسیله عذاب هلاک کرد، هنگام رجعت بر نخواهد گشت.

علی بن ابراهیم می‌گوید:

فهذه الآية من أعظم الدلالات فی الرجعة، لأن أحدا من أهل الإسلام لا ينكر أن الناس كلهم يرجعون إلى القيامة من لم يهلك، فقلوله: لا يرجعون عنی فی الرجعة، فأما إلى القيامة، فهم يرجعون حتی يدخلوا النار.

این آیه، بهترین و بزرگ‌ترین دلیل بر اثبات رجعت است؛ زیرا کسی از مسلمانان انکار ندارد که در قیامت، همه انسان‌ها برمی‌گردند، چه آنان که به عذاب الهی هلاک شده‌اند و چه آنان که به مرگ طبیعی مرده‌اند. خداوند می‌فرماید: «آنان بر نمی‌گردند، یعنی در عصر و زمان رجعت ولی در قیامت برمی‌گردند تا داخل جهنم شوند». (علی بن ابراهیم، ۱۳۸۸، ۷۶/۲)

- آیه دوم

وإذ أخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب و حكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه، قال: أأقرتم وأخذتم على ذلكم إصرى، قالوا: أقرنا، قال: فاشهدوا وأنا معكم من الشاهدين.

و یاد کن آن‌گاه که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم، پس بر شما اهل کتاب، رسولی از جانب خداوند آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می‌داد. به او ایمان آورده و او را یاری کنید. خداوند فرمود آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند، اقرار داریم. خداوند فرمود گواه باشید من هم با شما گواهم. (آل عمران: ۸۱)

این آیه تصریح دارد بر اینکه نصرت و ایمان که پیامبران علیهم السلام بر آن میثاق گرفته، بعد از آمدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود. «لتؤمنن به ولتنصرنه» مضارع مؤکد است که بر انجام کار در زمان آینده دلالت دارد، یعنی زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبران گذشته همگی زنده شوند و پیامبران

پیشین براساس پیمان الهی خود، نبی اکرم صلی الله علیه و آله را یاری دهند.

فخر رازی در تفسیر خود از حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند: «خداوند آدم و سایر انبیا علیهم السلام را مبعوث نکرد، مگر آنکه عهد و پیمان گرفت که هرگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله مبعوث شد، به او ایمان بیاورند و یاریش کنند». (فخر رازی، ۱۴۰۲، ۸/۱۲۳) در این آیه، ایمان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نصرت او و یاری وحی او، براساس برخی روایات است که در عالم رجعت صورت خواهد گرفت.

- آیه سوم

«إنا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاة الدنیا و یوم یقوم الأشهاد؛ قطعاً ما فرستادگان خود و اهل ایمان را در زندگی دنیا و آن روزی که شاهدان قیام کنند، یاری خواهیم کرد» (غافر: ۵۱). (محسنی دایکندی، ۱۳۸۹، ص ۹۲)

این بشارت الهی با تأکید فراوان بیان شده که هرگز تخلف پذیر نیست. عبارت «فی الحیاة الدنیا»، متعلق به نصراست، یعنی این نصرت در دنیا محقق می‌شود. علاوه بر این، قضیه نصرت و یاری، به صورت موجبه کلیه بیان شده اند نه به صورت موجبه جزئی، یعنی اگر در طول تاریخ یک پیامبر و یک مؤمن یاری شده باشد هم صادق است. اضافه شدن جمع رسل به ضمیر نا، مفید عموم بوده و شامل همه انبیاء می‌شود، هر چند به صورت جمعی. طبرسی در تفسیر آیه ۵۱ سوره غافر می‌نویسد:

ای نصرهم بوجه النصر فان النصر قد یكون بالحجة و یكون ایضاً بالغلبة فی المحاربة و ذالک بحسب ما یقتضیه الحکمة و یعلمه سبحانه من المصلمة و یكون ایضاً بالالطاف و التأيید و تقویة القلب و یكون باهلاک العدو.

آنان را با انواع راه‌ها و صورت‌های مختلف کمک می‌کنیم. گاهی به وسیله برهان آنان را یاری می‌کنیم و زمانی نیز نصرت در میدان جنگ به واسطه غلبه است که همه این نصرت‌ها به مقتضی حکمت و مصلحت است که خداوند سبحان به آن عالم است و گاهی نیز نصرت الهی به وسیله الطاف و تأیید و نیرو بخشیدن به قلب انجام می‌شود و گاهی هم با نابود کردن دشمن صورت می‌گیرد. (طبرسی، ۱۴۱۲، ۸/۵۲۵)

باید گفت که این وعده الهی، در آینده محقق می‌شود و مستلزم زنده شدن و رجعت آنان است تا با شمشیر انتقام الهی، برفق ستمگران فرود آید. (محسنی دایکندی، ۱۳۸۹، ص ۹۴) روایاتی در تفسیر این آیه وجود دارد که یکی برای نمونه ذکر می‌شود. در کامل الزیارات نقل شده:

عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام قال: هذه الآية: إنا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاة الدنیا و یوم یقوم الأشهاد. قال الحسین بن علی علیه السلام منهم و لم ینصر بعد ثم قال و الله لقد قتل قتلة الحسین علیه السلام و لم یطلب بدمه بعد. (ابن قولویه، بی تا، ۱۳۴/۲)

امام باقر علیه السلام «انا لننصر رسلنا» را قرائت کرده و فرمود: «حسین بن علی علیه السلام از آنهاست، ولی هنوز یار نشده، پس فرمود به خدا سوگند، کشندگان حسین علیه السلام طلب نشده است».

## ۵. آیات دال بر وقوع رجعت در پیامبران و امت‌های گذشته

قرآن مجید که اساسی‌ترین و موثق‌ترین منبع و سند مسلمانان برای فراگیری و اثبات مسائل مهم دینی و اعتقادی است، در چند سوره، از رجعت‌هایی که در گذشته با بدن عنصری و مادی صورت گرفته‌اند، سخن گفته که بعضی از آیات بررسی می‌شود.

### ۵-۱. عزیر پیامبر صلی الله علیه و آله

أو کالذی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال أنى یحیی هذه الله بعد موتها فأماته الله مائة عام ثم بعثه قال کم لبثت قال لبثت یوما أو بعض یوم قال بل لبثت مائة عام فانظر إلى طعامک و شرابک لم یتسنه و انظر إلى حمارک و لنجعلک آية للناس و انظر إلى العظام کیف ننشزها ثم نکسوها لحما فلما تبین له قال أعلم أن الله علی کل شیء قذیر.

با همانند کسی که از کنار یک آبادی عبور می‌کند و در حالی که دیوارهای آن به روی سقف‌ها فرو ریخته بود، چگونه خداوند این را پس از مرگ زنده می‌کند؟! و در این هنگام خداوند او را یکصد سال می‌راند، سپس زنده کرد و به او گفت چقدر درنگ کردی؟ گفت یک روز یا بخشی از یک روز. فرمود نه بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود که با گذشت سال‌ها هیچ‌گونه تغییر نیافته، ولی الاغ خود را نگاه کن که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ هم برای اطمینان خاطر توست و هم برای اینکه تو را نشانه‌ای برای قوم قرار دهیم. براستخوان‌های مرکب سواری نگاه کن که چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آن می‌پوشانیم. هنگامی که بر او آشکار شد، گفت، می‌دانم خداوند بر هر کاری تواناست. (بقره: ۲۵۹)

این آیه شریفه، به سرگذشت پیامبری به نام عزیر اشاره می‌کند که در اثنای سفر خود در حالی که بر مرکبی سوار بود و مقداری آشامیدنی و خوراکی همراه داشت، از کنار یک آبادی گذشت در حالی که به شکل وحشتناکی دیوارهای آن به روی سقف‌ها فرو ریخته و ویران شده بود و اجساد و استخوان‌های پوسیده ساکنان آن، به این سو و آن سو پراکنده بود. هنگامی که این منظره وحشت‌زا را دید، گفت چگونه خداوند این مردگان را زنده می‌کند؟

در این هنگام خداوند جان او را گرفت و یکصد سال بعد او را زنده کرد و از او سؤال پرسید چقدر در این بیابان بوده‌ای؟ او که خیال می‌کرد کمی بیشتر در آنجا درنگ نکرده، جواب داد یک روز یا کمتر. به او خطاب شد که یکصد سال در اینجا بوده‌ای. اکنون به غذا و آشامیدنی خود نظری

بیفکن و ببین چگونه در طول این مدت به فرمان خداوند تغییری در آن پیدا نشده است، ولی در اینکه بدانی یکصد سال از مرگ تو گذشته، نگاهی به مرکب خود کن و ببین از هم متلاشی و پراکنده شده و مشمول قوانین عادی طبیعت گشته و مرگ، آن را از هم متفرق ساخته است، پس نگاه کن چگونه اجزای پراکنده آن را جمع آوری کرده و زنده کرده ایم. او با دیدن منظره که چگونه اجزای آن جا به جا شد و به هم پیوست و گوشت و پوست پیدا کرد و حیات خود را بازیافت، گفت: «می دانم که خداوند متعال بر هر چیزی تواناست، یعنی اکنون آرامش خاطر یافته‌م و مسئله رستاخیز مردگان در نظر من شکل به خود گرفت». (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۲/۲۹۵)

این داستان، به شکل دیگری از امام علی علیه السلام نقل شده است.

هنگامی که عزیر از خانواده خود خارج شد، پنجاه سال داشت و زن او باردار بود. حق تعالی او را می میراند و سپس زنده می کند. وقتی به خانه خود بازگشت، پسر صدساله داشت در حالی که خود عزیر همچنان پنجاه ساله بود. پس پسر او، بزرگ تراز خود او بود. (بحار الانوار، ۱۳۶۲، ۵۳/۷۲)

استاد جواد آملی در این باره می نویسد:

در تفسیر این آیه، از روایات بسیاری استفاده می شود. نام این شخص، عزیر یا ارمیا از پیامبران بنی اسرائیل بوده است. بخت النصر، بر مردم آن سامان که بیت المقدس نام داشت، پیروز شد، همه جا را تخریب کرده و ساکنانش را از دم تیغ گذراند. ارمیا چون این ویرانی و قتل عام را دید، از شهر خارج شد و گفت چگونه خداوند آن را زنده خواهد کرد؟ حق تعالی او را صد سال می راند و سپس زنده کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۴/۱۲۳)

## ۲-۵. فرزندان حضرت ایوب علیه السلام

و ایوب إندادی ربه أنى مسنى الضر وأنت أرحم الراحمین، فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر و آتیناه أهله و مثلهم معهم رحمة من عندنا و ذکرى للعابدين.

و ایوب را به یاد آور هنگامی که پروردگارش را خواند و گفت بد حالی و مشکلات بر من روی آورده و تو مهربان ترین مهربانانی، ما دعوی او را مستجاب کردیم و ناراحتی هایی را که داشت، برطرف ساختیم و خاندانش را به او بازگرداندیم و همانندشان را بر آنها افزودیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت کنندگان باشد. (انبیاء: ۸۳-۸۴)

در تفسیر نمونه ذیل آیه مذکور آمده است:

هنگامی که ایوب علیه السلام از عهده تمامی امتحانات در مقام شکیبایی و شکرگذاری برآمده بود، زبان به مناجات و دعا گشود و حل مشکلات خود را با تعبیری بسیار مؤدبانه و خالی از هر شکایت از خدا خواست. در این هنگام درهای رحمت الهی گشوده شد. مشکلات به



سرعت برطرف گشت و نعمت های الهی افزون تر از آنچه بود به او روی آورد. فرزندانش او را زنده کرد و علاوه بر آن، فرزندان دیگری نیز به او داد.

مرحوم کلینی رحمته الله علیه در ذیل این آیه، روایتی را از ابوبصیر نقل می‌کند:

عن أبي بصير عن ابي عبدالله في قول الله عزوجل و آتيناہ أهله و مثلهم معهم قلت ولده كيف اوتى مثلهم معهم قال احياء له من ولده الذين كانوا ماتوا قبل ذالك بأجالهم مثل الذين هلكوا يومئذ.

ابوبصیر گفت درباره آیه «کسان ایوب را با مثلشان به وی دادیم» از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم چگونه مثلشان را به او داد؟ فرمود: «آن پسرانش که از قبل مرده بودند، با آنان که در واقعه امتحان مردند، همه را زنده کرد». (کلینی، ۱۳۷۹، ۲۵۲/۸)

مرحوم طبرسی رحمته الله علیه در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه «... و آتیناه أهله و مثلهم معهم...» روایتی را از ابن عباس و ابن مسعود نقل کرده و می‌فرماید:

عن ابن عباس و ابن مسعود ان الله رد على أيوب أهله الذين هلكوا بأعيانهم وأعطاه مثلهم معهم و كذلك رد الله عليه أمواله و مواشيه بأجمعها، و أعطاه مثلها معها.

خداوند کسان ایوب را که مرده بودند به وی برگرداند و مثل آنان هم به وی عطا کرد و همچنین اموال و چارپایانش را نیز دو برابر به او عطا کرد. این روایت را حسن بصری و قتاده از امام صادق علیه السلام نیز نقل کرده است. (حر عاملی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۶)

فرزندان حضرت ایوب علیه السلام هفت پسر و هفت دختر بودند که از دنیا رفته بودند و سپس خداوند آنها را زنده کرد.

### ۳-۵. موسی علیه السلام و هفتاد نفر

و اختار موسى قومه سبعين رجلا لميقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب لو شئت اهلكتهم من قبل و اياي أتهلكنا بما فعل السفهاء منا إن هي الا فتنتك تضل بها من تشاء و تهدي من تشاء أنت ولينا فاغفر لنا و ارحمنا و أنت خير الغافرين.

موسی علیه السلام از قوم خود هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت و هلاک شدند، گفت پروردگارا اگر می‌خواستی، می‌توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی. آیا ما را به آنچه سفیرانمان انجام داده‌اند، یعنی مجازات، هلاک می‌کنی؟ این، جز آزمایش تو چیز دیگری نیست که هر کس را بخواهی به وسیله آن گمراه می‌سازی و هر کس را بخواهی هدایت می‌کنی. تو ولی مایی، ما را بیامرز و بر ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگان. (اعراف: ۱۵۵)

ذیل این آیه شریفه، روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

إن كلیم الله موسی بن عمران علما كلمه الله عز و جل. رجع إلى قومه فاخبرهم أن

الله عز و جل کلمه . فقالون نؤمن لك حتى نسمع كلامه سمعت و كان القوم سبع مائه ألف رجل فاختر منهم سبعين ألفا ثم اختار منهم سبعة آلاف ثم اختار منهم سبع مائه ثم اختار منهم سبعين رجلا لميقات ربهم فخرج بهم إلى طور سيناء . فكلّمه الله تعالى ذكره و سمعوا كلامه . فقالون نمون لك حتى نرى اللهد جهره . بعث الله عز و جل عليهم صاعقه فاخذتهم بظلمهم فماتوا فقال موسى يا رب ما أقول لبني إسرائيل إذا رجعت إذا رجعت إليهم و قالوا لك ذهبتم بهم فقتلتمهم لانك لم تكن صادقا . فاحياهم الله و بعثهم معه .

هنگامی که خداوند با حضرت موسی علیه السلام سخن گفت ، به سوی قومش بازگشت و به آنها خبر داد که خداوند با او سخن گفته است ، آنان گفتند ما تا خود ، سخن خدا را نشنویم هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد . موسی علیه السلام از آن جمعیت هفتصد هزار نفری هفتاد هزار نفر و از آنان هفتصد نفر و از آنان هفتاد نفر برای وعده گاه خدا انتخاب کرده با خود به کوه طور برد . چون کلام خدا را شنیدند ، گفتند ما تا خدا را آشکارا نبینیم ، هرگز ایمان نیاوریم . در اثر این ظلمی که کردند ، خداوند صاعقه ای فرستاد که آنان را گرفت و همه مردند . موسی علیه السلام عرض کرد پروردگارا! اگر بنی اسرائیل گویند تو چون در دعوی پیامبری راست گو نبودی ، اینان را بردی و کشتی ، من چه جواب گویم ؟ پس خداوند آنها را زنده کرد و همراه وی فرستاد .

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که سرانجام هلاک شدگان ، بار دیگر زندگی را از سر گرفتند و به اتفاق موسی علیه السلام به سوی بنی اسرائیل بازگشتند و آنچه را دیده بودند برای آنها بازگو کردند و به تبلیغ و ارشاد آن مردم بی خبر پرداختند .

#### ۵-۴ . کشته بنی اسرائیل

و إذ قلتم نفسا فادارأتم فیها و الله مخرج ما کنتم تکتمون . فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون .

و به یاد آور هنگامی که فردی را به قتل رساندید ، سپس درباره قاتل او به نزاع پرداختید و خداوند آنچه را مخفی می داشتید ، آشکار می کند ، سپس گفتم قسمتی از گاو را به مقتول بزنید تا زنده شود و قاتل را معرفی کند . خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد ، شاید اندیشه کنید . (بقره: ۷۳ و ۷۲)

#### ۵-۵ . زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی علیه السلام

در آیات متعدد به این نکته اشاره شده که یکی از معجزه های بزرگ حضرت عیسی علیه السلام زنده کردن مردگان بوده که اهل سنت و شیعه در کتاب هایشان در تفسیر برخی از آیات مطالبی ذکر کرده اند .

و رسولا الی بنی اسرائیل أنى قد جئکم بآیه من ربکم أنى أخلق لکم من الطین کهیئه الطیر فانفخ فیہ فیکون طیرا باذن الله و أبری الأکمه و الا برص و أوحى الموتی باذن الله و

انبتکم بما تأکلون و ما تدخرون فی بیوتکم إن فی ذلک لایه لکم إن کنتم مؤمنین .  
 ورسولی که برای بنی اسرائیل فرستاده شده، با این پیام که من به سوی شما آمدم،  
 با معجزه از ناحیه پروردگار و آن این است که از گل برایتان چیزی به شکل پرنده می سازم،  
 سپس در آن می دمم، پس به اذن خدا پرنده ای می شود. زنده می کنم و به آنچه در  
 خانه هایتان می خورید و ذخیره کرده اید خبر می دهم. در این معجزات آیات و نشانه هایی  
 است برای شما اگر مؤمن باشید. (آل عمران: ۴۹)

## ۵. نتیجه گیری

از آیه ها و احادیثی که در ضمن آیه وارد شده این نتیجه به دست می آید که رجعت، امری ممکن  
 است. چگونه ممکن است کسی، قرآن را به عنوان یک کتاب آسمانی بپذیرد و با این همه آیات  
 روشن و احادیثی که مفسرین در کتاب هایشان در مورد زنده شدن مردگان به دست حضرت  
 عیسی علیه السلام و موسی علیه السلام و ... آورده اند، آن را انکار کنند؟ مگر رجعت جز زنده شدن بعد از مرگ  
 است؟، پس آیات فراوان بر این دلالت دارد که خداوند، جمعیت فراوانی را پس از آنکه مدتی از  
 مرگشان می گذشت، زنده کرد و به دنیا باز گرداند. به طوری که زمان درازی را در این جهان زندگی  
 کردند و این همان حقیقت رجعت است و واقع هم شده است که اختلافی در ضروری بودن آن  
 نیست؛ زیرا انکار و تصرف در آن، انکار و تصرف بی دلیل در قرآن است.

## منابع

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: انتشارات مشهور.

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸). اللهوف. بی جا.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (بی تا). کامل الزیارات. قم: کتاب فروشی وجدانی.
۳. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: الحوزه العلمیه، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابی الفدا، اسماعیل بن عمر بن کثیر (بی تا). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارطیبه.
۵. احمد بن زین العابدین (۱۴۱۴). کتاب الرجعه. بیروت: الدار العالمیه.
۶. اسماعیل بن حماد (بی تا). صحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
۷. الاصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۴۰۵). حلیه الاولیاء و طبقات و الاصفیاء. بیروت: دارالکتب العربی.
۸. افریقی المصری، ابن منظور (بی تا). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دارالکتب العلمیه.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). صحیح بخاری. مصر: اداره الطالبه المنیریة.
۱۱. برنج کار، محمد رضا (۱۳۸۸). آشنایی با فرق اسلامی. قم: کتاب طه.
۱۲. البستانی، بطروس (۱۹۹۳). محیط المحيط. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۱۳. بهمنی، اصغر (۱۳۹۴). پاسخ به شبهات رجعت. قم: انتشارات زائر.
۱۴. بیضاوی، ابی سعید عبدالله بن عمر شیرازی (۱۴۲۱). تفسیر بیضاوی. بیروت: مؤسسه الایمان.

۱۵. پیشوایی، مهدی (بی تا). سیره پیشوایان. قم: انتشارات توحید.
۱۶. الجزائری، السید نور الدین (۱۴۱۲). المعجم الفروق اللغویه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: اسراء.
۱۸. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله احمد (بی تا). شواهد التنزیل. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). بالبرهان الايقاظ من الهجمه علی الرجعه. ترجمه آیت الله جنتی تهران: نوید
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث.
۲۱. علی بن ابراهیم (۱۳۸۸). علی بن ابراهیم قمی و تفسیر قمی. تهران: خانه کتاب.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
۲۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۲). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. محسنی دایکندی، محمد عظیم (۱۳۸۹). رجعت در عصر ظهور. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی